

## سورة آل عمران

مدنی ۲۰۰ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الف، لام، میم (۱) خداوند یکتا که جز او هیچ معبودی نیست زنده جاوید و قائم به ذات است (۲) این کتاب را که گواهی دهنده [حقانیت] کتاب‌های پیش از خود است به راستی و درستی و به تدریج بر تو نازل کرد، و نیز تورات و انجیل را (۳) پیش از این برای هدایت مردم فرستاد، و فرقان را [که معیار شناخت حق از باطل است] فرود آورد، بی تردید برای منکران آیات خدا [به کیفر انکارشان] عذابی سخت است؛ خداوند توانای شکست‌ناپذیر و دارای انتقام است (۴) مسلماً چیزی در زمین و آسمان بر خداوند پنهان نیست (۵) اوست که شما را در رجم‌های مادران آن‌گونه که می‌خواهد شکل می‌دهد، جز او هیچ معبودی نیست، توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۶) او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، بخشی از آن آیاتی مُحکم‌اند [که دارای کلماتی با مفاهیمی روشن‌اند،] آن‌ها مایه و بنیاد این کتاب می‌باشند، و بخشی دیگر آیاتی مُشابه‌بند [که دارای کلماتی با معانی مختلف و مُبهمند.] اما آنان که دلی منحرف دارند [و دچار کج‌اندیشی‌اند] برای فتنه‌جویی و طلب تفسیر آن [به صورت نادرست و برای گمراه کردن مردم،] از آیات مشابه پیروی می‌کنند، درحالی‌که تاویل [درست] آن‌ها را جز خدا و ثابت‌قدمان در دانش [که علمشان منطبق بر واقعیات هستی و غیر قابل تغییر است] نمی‌دانند، [راسخون در علم] می‌گویند: ما به قرآن ایمان آوردیم، همه آیاتش [چه مُحکم چه مشابه] از سوی پروردگار ماست. و [به این حقایق] توجه عمیق نمی‌کنند (۷) [اینان می‌گویند:] پروردگارا! دل‌هایمان را پس از آن‌که هدایتمان کردی منحرف مکن! و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بسیار بخشنده‌ای. (۸) پروردگارا! قطعاً تو جمع‌کننده مردم در روزی هستی که هیچ شکی در آن نیست. یقیناً خدا عهدشکن نیست (۹)

مسئلاً اموال و فرزندان کافران، هرگز چیزی از [عذاب] خدا را از آنان برطرف نمی‌کند، اینان همیزم دوزخند (۱۰) [عادت این کافران] مانند عادت فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آیات ما را انکار کردند، پس خداوند هم آنان را به سبب گناهانشان دچار کیفر کرد؛ و خداوند سخت کیفر است (۱۱) به کافران اعلام کن: به زودی [در دنیا] شکست خواهید خورد، و [در آخرت] به سوی دوزخ جمعتان خواهند کرد و دوزخ بد بستری است (۱۲) بی‌تردید برای شما در دو گروهی که [در عرصه نبرد] با هم روبه‌رو شدند نشانه‌ای [از قدرت خداوند و صدق نبوت پیامبر] بود، گروهی در راه خدا می‌جنگیدند، و گروه دیگر کافر به حقایق بودند، اینان مؤمنان را به چشم خود دو برابر می‌دیدند؛ [به این سبب ترسیدند و شکست خوردند]، خداوند هرکه را بخواهد با یاری خود قدرت می‌دهد، بی‌تردید در این [حادثه]، پندی برای اهل بینش است (۱۳) محبت به امور خواستنی چون زنان، فرزندان، اموال فراوان از طلا و نقره، اسب‌های نشاندار، چهارپایان و زراعت، را برای مردم آراسته شده، این‌ها کالای [از دست رفتنی] زندگی دنیاست، و خداست که سرانجام نیکو [که بهشت است] نزد اوست (۱۴) بگو: آیا شما را به بهتر از این [کالاهای از دست رفتنی] آگاه کنم؟ برای آنان که خود را از محرمات خدا حفظ کنند نزد پروردگارشان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند، آنان را همسرانی [از هر جهت] پاکیزه، و رضایتی [کامل] از سوی خداست، و خداوند به بندگان بیناست (۱۵)

همان کسانی که می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس گناهانمان را بیامرز، و ما را از عذاب آتش حفظ کن! (۱۶) آن صبرکنندگان [در همه حوادث]، راستگویان [در همه امور]، فرمانبرداران [از دستورهای حق]، انفاق‌کنندگان، و اهل استغفار در سحرهایند (۱۷) خداوند درحالی که [به کارگردانی در همه امور هستی] قائم به عدالت است، [با زبان وحی و نظام استوار آفرینش]، گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز [گواهی می‌دهند که] جز او معبودی وجود ندارد، [معبودی] که توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۱۸) مسلماً دین نزد خدا فقط اسلام است، اهل کتاب [نسبت به آن] به نزاع و کشمکش برخاستند مگر پس از آن که [به وسیله کتاب‌هایشان] به آگاهی و یقین رسیده بودند، سبب [این نزاع درباره اسلام] خوی تجاوزگری و حسد بود. آنان که منکر آیات حق شوند [محکوم به عذاب‌اند]؛ خداوند حسابرسی سریع است (۱۹) اگر با تو [در حقانیت اسلام] گفت‌وگوی نادرست و بی‌دلیل کردند [در پاسخشان] بگو: من و پیروانم [همه] وجود خود را تسلیم خدا کرده‌ایم، و به اهل کتاب [که آگاه به حق هستند] و بی‌سوادان [مشرک که آیات خدا را شنیده‌اند] بگو: آیا شما هم تسلیم می‌شوید؟ اگر تسلیم شوند مسلماً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتابند [بر تو گران نیاید؛ زیرا] تکلیفی که بر عهده توست فقط ابلاغ [اسلام] است، خداوند به بندگان بیناست (۲۰) آنان که پیوسته منکر آیات خدا می‌شوند، و همواره پیامبران را ظالمانه می‌کشند، و مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند به عذابی دردناک خیر ده! (۲۱) آنان کسانی هستند که همه اعمال خوبشان در دنیا و آخرت تباه گشته، و برای آنان هیچ یاور و حمایت‌کننده‌ای نخواهد بود (۲۲)

آیا وضع کسانی که بهره‌ای از کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ندانسته‌ای؟ چون به‌سوی کتاب خدا دعوت می‌شوند تا کتاب خدا در بین آنان [در اختلافاتشان] داوری کند، گروهی از آنان به آن دعوت پشت می‌کنند، و [از داوری کتاب خدا] روی برمی‌تابند (۲۳) این [پشت‌کردن به این دعوت] به سبب آن است که [با تکیه بر خیالاتی واهی] گفتند: آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی‌رسد، و مسائلی که همواره دروغ [به خداوند] می‌بستند آنان را در دینشان [که آمیخته به تحریف بود] فریفت [و خیال بی‌دلیل اندک‌ماندن در دوزخ را برای آنان رقم زد] (۲۴) پس [وضع و حالشان] چگونه خواهد بود هنگامی که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست جمع کنیم، و به هرکس آنچه را که [از خوب و بد] انجام داده به‌طورکامل [به‌صورت بهشت یا دوزخ] خواهند داد، و [در پاداش و عقاب] مورد ستم قرار نمی‌گیرند (۲۵) [در مقام دعا] بگو: خدایا! ای مالک و فرمانروای همه موجودات! هرکه را بخواهی حکومت می‌بخشی، و از هرکه بخواهی حکومت [داده‌شده] را می‌ستانی، و هرکه را بخواهی عزت می‌دهی، و هرکه را بخواهی خوار می‌کنی، هر خیری به دست توست، مسلماً تو بر هر کاری توانایی (۲۶) شب را در روز، و روز را در شب فرومی‌بری، و زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آوری، و هرکه را اراده کنی بی‌حساب روزی می‌دهی (۲۷) مؤمنان نباید کافران را به‌جای اهل ایمان سرپرست و دوست خود انتخاب کنند، هرکس چنین کند از [احسان و الطاف] خداوند بی‌نصیب است، مگر آن‌که بخواهید [برای دفع خطر] از آنان تقیه کنید، خداوند شما را از [کیفر] خود [به سبب قبول سرپرستی و دوستی کافران] برحذر می‌دارد، بازگشت، فقط به‌سوی خداست (۲۸) بگو: اگر آنچه [از نیت فاسد و افکار باطل درباره‌ی قبول سرپرستی کافران] در سینه‌های شماست پنهان بدارید یا آشکار کنید خداوند به آن آگاه است، و نیز آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، خداوند بر هر کاری تواناست (۲۹)

[به یاد آرید] روزی که هرکس آنچه از کار نیک انجام داده، حاضرشده خواهد یافت، و [هرکس] هر کار زشتی مرتکب شده آرزو می‌کند ای کاش میان او و کارهای زشتش فاصله دوری بود، خداوند شما را از نافرمانی‌اش برحذر می‌دارد، خداوند به بندگان بسیار مهرورز است (۳۰) [ای پیامبر!] بگو: اگر خدا را دوست دارید پس [قاطعانه] از من پیروی کنید تا خدا هم [به پاداش پیروی از من] شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیاورد؛ خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۳۱) بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید، اگر روی برتابید بدانید که مسلماً خدا کافران را دوست ندارد (۳۲) همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به سبب شایستگی‌هایشان] بر جهانیان برگزید (۳۳) همه فرزندان یکدیگرند، [که از نظر ایمان و تقوا شبیه به هم‌اند،] خداوند شنوا [ی هر دعا و سخن] و دانا [ی به حالات و شایستگی‌های مردم] است (۳۴) [به یاد آرید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کرده‌ام آنچه را در رحم دارم [برای خدمت به خانه تو از هر کاری] آزاد باشد، [نذر من] از من بپذیر که تو شنوا [ی دعا] و دانا [ی به نیت من] هستی! (۳۵) زمانی که فرزندش را به دنیا آورد گفت: پروردگارا! من دختر زاییده‌ام. خدا به آنچه او زایید آگاهی داشت، پسر [ی که زاییدن او را آرزو داشت در کرامت و ارزش] مانند [این] دختر نبود، و [همسر عمران به وقت نام‌گذاری فرزندش گفت:] من نامش را مریم نهادم، او و فرزندانش را از [وسوسه‌های] شیطان رانده‌شده به پناه تو می‌آورم (۳۶) پس پروردگارش او را نیکو پذیرفت و به‌خوبی وی را رشد و پرورش داد و زکریا را سرپرست او قرار داد، هر زمان که زکریا در محراب عبادت به دیدار او می‌رفت رزقی ویژه نزد او می‌یافت، [یک بار] گفت: ای مریم! این [رزق ویژه] از کجا برای تو رسیده؟ مریم پاسخ داد: این از سوی خداست، همانا خداوند هرکس را بخواهد رزق بی‌حساب می‌بخشد (۳۷)

در آن جا بود که زکریا [با دیدن کرامت داده شده به مریم] به پیشگاه پروردگارش دست به دعا برداشت و گفت: پروردگارا! مرا [هم] از سوی خود فرزندی پاک و دل‌پسند عطا کن! بی‌تردید تو شنوای دعایی (۳۸) فرشتگان [به دنبال دعای زکریا] درحالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود او را ندا دادند: خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد که گواهی‌دهنده [حقانیت] کلمه‌ای از سوی خدا [چون مسیح] است، [فرزندت] سرور و پیشوا، [و به سبب زهد و حیای] نگهدار خود [از خواسته‌های نفسانی]، و پیامبری از شایستگان است (۳۹) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود درحالی که سالخورده شده‌ام و همسرم [از ابتدا] نازا [بوده] است؟ خداوند فرمود: چنین است [که می‌گویی؛ ولی کار] خداوند [محدود به علل و اسباب طبیعی نیست]، هر چه را بخواهد [با مشیت مطلقه‌اش] انجام می‌دهد (۴۰) گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای [بر زمان تحقق این بشارت] قرار ده! خداوند فرمود: نشانه تو این است که سه روز با مردم جز با رمز و اشاره سخن نتوانی گفت، پروردگارت را بسیار یاد کن، و او را شامگاه و بامداد [از هر عیب و نقصی] پاک و منزّه بدار! (۴۱) [به یاد آرید] زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! قطعاً خداوند تو را [به عنوان بنده‌ای ویژه] برگزیده و [از همه عیوب و آلودگی‌ها] پاک کرده و بر زنان جهانیان [روزگار خودت] برتری داده است (۴۲) ای مریم! فروتنانه در برابر پروردگارت مطیع باش، و سجده کن و با اهل نماز جماعت، نماز بخوان! (۴۳) این [حقایق] از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم، و تو هنگامی که آنان قلم‌های خود را [برای قرعه] می‌انداختند که کدامیک سرپرستی مریم را عهده‌دار شوند، و نیز زمانی که برای کفالت او گفتگو می‌کردند نزد آنان نبود (۴۴) [به یاد آرید] هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه‌ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد، درحالی که در دنیا و آخرت آبرومند، و از مقربان است (۴۵)

و با مردم در گهواره [به صورت معجزه آسا،] و در میان سالی [با زبان وحی] سخن می گوید، و از شایستگان است (۴۶) مریم گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته؟! خداوند فرمود: چنین است [که می گویی؛ ولی کار خداوند محدود به علل و اسباب طبیعی نیست]، خداوند هر چه را بخواهد [با مشیت مطلقه خود] می آفریند، زمانی که [به وجود آمدن] چیزی را اراده کند فقط به آن می گوید: باش! پس [بی درنگ] موجود می شود (۴۷) و به آن [آبرومند مقرب]، کتاب و معارف استوار و سودمند و تورات و انجیل می آموزد (۴۸) و [وی را با مقام] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می فرستد که به آنان می گوید:] من از سوی پروردگارتان برای شما دلیل و برهانی [بر صدق رسالتم] آورده ام؛ از گل برایتان چیزی به شکل پرنده می سازم و در آن می دمم که به خواست خداوند پرنده ای [زنده و قادر به پرواز] می شود، و کورِ مادرزاد و مبتلای به جذام را به مشیت خداوند بهبود می بخشم، و مردگان را به دستور خدا زنده می کنم، و شما را از آنچه می خورید، و آنچه را در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم، مسلماً اگر مؤمن باشید این معجزات برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت من] است (۴۹) و [آمده ام تا اعلام کنم] به حقانیت توراتی که پیش از من بوده گواهی می دهم، و [آمده ام] تا برخی از چیزهایی که در گذشته [به کیفر گناهانتان] بر شما حرام شده حلال کنم، و از سوی پروردگارتان برای شما دلایلی [بر صدق ادعایم] آورده ام. پس [ای بنی اسرائیل!] خود را از محرّمات الهی حفظ کنید، و از من فرمان ببرید (۵۰) همانا خداوند یکتا پروردگار من و پروردگار شماست، [فقط] او را بپرستید، این است راه مستقیم (۵۱) چون عیسی از آنان انکار [رسالتش] را احساس کرد گفت: چه کسانی [برای اقامه دین] برای خدا یاران منند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، به خدا ایمان آوردیم، و گواه باش که ما [بی چون و چرا] تسلیمیم (۵۲)

پروردگارا! به آنچه [از نزد خود برای هدایت ما] نازل کردی ایمان آوردیم، و از این پیامبر [یعنی عیسی مسیح] پیروی کردیم، پس ما را در زمره گواهی دهندگان [به حقایق آسمانی] بنویس! (۵۳) و [کافران از بنی اسرائیل به عیسی و آیین او] نیرنگ زدند، خدا هم [کیفر] نیرنگشان را داد؛ خداوند بهترین کیفردهنده نیرنگ‌زندگان است (۵۴) [به یاد آرید] هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را [از بین مردم] برمی‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم، و از بودن در کنار کافران و همشینی با آنان نجات می‌دهم، و کسانی را که [صادقانه] از تو پیروی کردند بر کسانی که کافر شدند تا روز قیامت برتری می‌بخشم. آن‌گاه بازگشت شما فقط به سوی من است، و در میان شما [مؤمنان و منکران] در آنچه درباره‌اش اختلاف داشتید [به عدالت] داوری می‌کنم (۵۵) اما کسانی را که منکر [عیسی و کتاب او] شدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت عقوبت می‌کنم، و برای آنان هیچ یآوری [برای نجاتشان] نخواهد بود (۵۶) و اما آنان که مؤمن [به آن حضرت و کتابش] شدند و کارهای شایسته انجام دادند خداوند پاداششان را به طور کامل می‌دهد؛ خداوند ستمکاران به حقایق را دوست ندارد (۵۷) این [سرگذشت‌هایی] که بر تو می‌خوانیم از نشانه‌ها [ی‌صدق نبوت تو] و [حقانیت] قرآن حکیم است (۵۸) مسلماً داستان عیسی نزد خداوند [از نظر کیفیت آفرینش] مانند داستان آدم است که [پیکر] او را از خاک آفرید، بعد از آن به او خطاب شد: [موجود زنده] باش! پس بی‌درنگ [موجود زنده] شد (۵۹) [آنچه از این مسائل گفتیم حق است؛] حقی از ناحیه پروردگارت، پس [با توجه به علمی که به حق بودن آن‌ها برایت حاصل شد] از تردیدکنندگان مباش! (۶۰) بنابراین هرکس درباره عیسی بعد از آن که برای تو نسبت به او آگاهی کامل آمد گفت‌وگوی بی‌منطق کند، بگو: بیایید ما پسرانمان [حسن و حسین علیهما السلام] و شما پسرانمان را، و نیز ما زنانمان [فاطمه علیها السلام] و شما زنانمان را، و همچنین ما مردانمان [علی بن ابی طالب علیه السلام] و شما مردانمان را دعوت کنید، سپس یکدیگر را نفرین کنیم، آن‌گاه لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم (۶۱)



بی‌تردید این [حقایقی که بیان شد] همان داستان‌های حق [و درستِ عیسی] است، [و الوهیت او از دروغ‌های ساختگی نصاری است،] هیچ معبودی جز خدا نیست، همانا خداوند توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۶۲) چنانچه [از دعوت به نفرین، و از حقایق بیان شده] روی برتابند [یقین کن که خواهان حق نیستند،] و مسلماً خدا به [وضع و حال] مفسدان آگاه است (۶۳) بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه‌ای که بین ما و شما یکسان است، و آن [کلمه] این [است] که: جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و برخی از ما بعضی دیگر را به غیر از خدا مالک و همه‌کاره خود نگیرد، اگر [از پذیرش این حقایق هم] روی برتابند [تو و پیروانت] بگویید: شاهد باشید که ما [با همه وجود] تسلیم حق هستیم [ولی شما روی برتافتید،] (۶۴) ای یهود و نصاری! چرا درباره ابراهیم گفت‌وگوی بی‌دلیل می‌کنید، [و او را یهودی و نصرانی می‌دانید] درحالی که تورات و انجیل بعد از او نازل شده! آیا اندیشه نمی‌کنید (۶۵) آگاه باشید! شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به ابراهیم آگاهی داشتید بحث و جدل کردید، پس چرا درباره آنچه به آن دانا نیستید، [و آن آیین ابراهیم است] گفت‌وگوی نادرست و بی‌دلیل می‌کنید؟! خداوند [به وضع و حال ابراهیم] داناست و شما [به او] آگاهی ندارید (۶۶) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه یکتاپرست و [حق‌گرای] مسلمان بود، و هرگز از مشرکان نبود (۶۷) یقیناً نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم [از جهت پیوند معنوی] کسانی هستند که [به راستی و درستی] از او پیروی کردند، و این پیامبر [اسلام] و مؤمنانند [که از همه به او نزدیک‌ترند]، خداوند سرپرست و یار اهل ایمان است (۶۸) گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کنند کاش شما را گمراه کنند درحالی که [با انکار حقایق کتاب‌های آسمانی] جز خودشان را گمراه نمی‌کنند، و [این واقعیت را از شدت کوردلی] درک نمی‌کنند (۶۹) ای اهل کتاب! چرا آیات خدا را انکار می‌کنید [و به قرآن کافرید]؟ درحالی که باور دارید [این آیات از سوی خداوند نازل شده است] (۷۰)

ای اهل کتاب! درحالی که دانای به حق هستید چرا حق را با باطل آمیخته می‌کنید [تا حق بر مردم مبهم و نامعلوم شود]، و حق را پنهان می‌دارید [تا پیروانتان در گمراهی بمانند؟! (۷۱) گروهی از اهل کتاب [به پیروان خود] گفتند: ابتدای روز به آنچه [از آیات قرآن] بر مؤمنان نازل شده [به ظاهر] ایمان آورید و در پایان روز، منکر [آیات] شوید، شاید مؤمنان [با این کارتان، از دینشان] بازگردند (۷۲) [و نیز گفتند: در بیان مسائل خود] جز به کسی که از دینتان [یهودیت] پیروی می‌کند اطمینان نکنید. بگو: مسلماً هدایت فقط هدایت خداست. [سپس گفتند: باور نکنید] آنچه به شما [اهل کتاب از امور دینی] داده شده به کسی [غیر از یهود] داده شود، یا [گمان نکنید مؤمنان می‌توانند در قیامت] نزد پروردگارتان با شما گفتگوی منطقی [کرده، حقانیت خود را ثابت] کنند. [ای پیامبر! در پاسخ سخنان بیهوده آنان] بگو: فضل [و احسان که از جلوه‌های نبوت و حکمت است] فقط به دست خداست، به هرکس بخواهد عطا می‌کند، [چون امری انحصاری نیست]، و خداوند بسیار عطاکننده و داناست (۷۳) هرکه را بخواهد به رحمتش اختصاص می‌دهد، و خداوند دارای احسان بزرگ است (۷۴) از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی که نزد او می‌گذاری امین بشماری همه آن را به تو باز می‌گرداند، و از آنان کسی است که اگر او را به دیناری که به او سپرده‌ای امین بدانی آن را به تو بر نمی‌گرداند، مگر آن که پیوسته در کنارش بایستی و [با قدرت از او بستانی]، این [بازنگرداندن] به علت این است که آنان بر این عقیده‌اند که رعایت کردن حقوق غیر اهل کتاب [بنا بر احکام دینمان] بر ما لازم نیست [و زبانی به ما نمی‌زند]، درحالی که [با نادرست بودن گفتارشان] می‌دانند بر خدا دروغ می‌بندند (۷۵) آری! هرکس به پیمان خداوند [که وحی و احکام اوست] وفا کرد، و خود را از محرمات حفظ کرد بداند که بی‌تردید خداوند پرهیزگاران را دوست دارد (۷۶) مسلماً کسانی که پیمان خداوند و سوگندهایشان را [برای مقاصد مادی] به بهایی اندک می‌فروشدند، برای آنان در آخرت هیچ نصیبی نیست، و خداوند با آنان سخن نمی‌گوید، و در قیامت به‌سوی آنان نظر [لطف و رحمت] نمی‌اندازد، و [از گناه و آلودگی] پاکشان نمی‌سازد، و برای آنان عذاب دردناکی است (۷۷)

از قوم یهود گروهی هستند که هنگام قرائت کردن دست‌نوشته‌های [ی دروغ و آیات تحریف‌شده،] زبان خود را به صورتی پیچ‌وخم می‌دهند تا شما گمان کنید که [آنچه می‌خوانند] از کتاب [واقعی آسمانی] است، درحالی‌که از کتاب [نازل‌شده خداوند] نیست، و [با بی‌شرمی] می‌گویند: این [آیاتی که می‌خوانیم] از سوی خداست، درحالی‌که از سوی خدا نیست. با آن‌که می‌دانند به خداوند دروغ می‌بندند (۷۸) برای هیچ انسانی شایسته نیست که خداوند به او کتاب و حکمت و نبوت دهد سپس به مردم بگوید: خدا را کنار گذاشته و بندگان من باشید! بلکه [مسئولیت الهی او اقتضا می‌کند بگوید:] به دلیل این‌که کتاب [الهی] را از دیرباز فرا می‌گرفتید و آن را به دیگران تعلیم می‌دادید، الهی مسلک [و کاملاً یکتاپرست] باشید، (۷۹) و [نیز بر او روا نیست که] به شما فرمان دهد فرشتگان و پیامبران را مالک و معبود خود انتخاب کنید، آیا [چنین انسانی که دارای مقام نبوت است] شما را پس از آن‌که تسلیم [حق] هستید فرمان کفرورزیدن [به حق] می‌دهد؟! (۸۰) [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان مُحکم گرفت که: آنچه از کتاب و حکمت به شما عطا کردم، [آن را تبلیغ کنید و به امت‌ها بگویید] چون در آینده پیامبری برای شما آمد که حقانیت آنچه را [از کتاب‌های آسمانی] نزد شماست تصدیق کرد باید به او مؤمن شوید، و باید او را یاری دهید، [آن‌گاه] خداوند فرمود: آیا اقرار کردید؟ و پیمان مُحکم مرا [به شرط وفای به آن] پذیرفتید؟ گفتند: اقرار کردیم. خداوند فرمود: پس بر این پیمان گواه باشید، و من هم با شما از گواهانم (۸۱) آن گروه [از اهل کتاب] که پس از این [پیمان] از آن روی برتافته [در نتیجه]، منحرف و نافرمانند (۸۲) آیا [یهود و نصاری و مشرکان بعد از این‌همه دلایل روشن و نشانه‌های استوار بر حقانیت دین خدا،] غیر دین خدا را خواستارند؟ درحالی‌که هرکس در آسمان‌ها و زمین است خواه‌وناخواه تسلیم خداوند است، و همه را به‌سوی او باز می‌گردانند (۸۳)

[ای پیامبر! به همه] بگو: ما به خدا و آنچه بر ما و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانشان [که دارای مقام نبوتند] نازل گشته، و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان عطا شده ایمان آوردیم، و بین هیچ‌یک از آنان [در این‌که فرستاده‌ی خدایند] فرقی نمی‌گذاریم، و ما فقط در برابر خداوند تسلیم هستیم (۸۴) هرکه جز اسلام دینی بخواهد هرگز از او پذیرفته نیست، و او در آخرت از گروه تباہ‌کنندگان [همه سرمایه و جودی خود] خواهد بود (۸۵) چگونه خداوند گروهی را هدایت کند که پس از آن‌که مؤمن شدند و به حقانیت پیامبر [اسلام] شهادت دادند، و دلایل روشن برای آنان آمد کافر شدند؟! خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند (۸۶) اینان کیفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد (۸۷) در آن [لعنت] جاودانه‌اند، نه عذاب از آنان سبک می‌شود، و نه [برای نجات] مهلتشان دهند (۸۸) مگر کسانی که بعد از آن [آلودگی باطنی و ظاهری] به خداوند بازگشته، و [همه گذشته خود را] اصلاح کردند؛ همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۸۹) بی‌تردید کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، آن‌گاه بر کفرشان افزودند، هرگز توبه آنان [پس از هدر رفتن همه فرصت‌ها] پذیرفته نخواهد شد؛ آنان گمراهان واقعی‌اند (۹۰) مسلماً کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، گرچه به جای رهایی خود از عذاب به اندازه پُرشدن زمین طلا پردازند هرگز از ایشان پذیرفته نخواهد شد، برای آنان عذابی دردناک است، و هیچ یآوری [برای نجاتشان] نخواهند داشت (۹۱)

هرگز به نیکی [واقعی] نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و آنچه از هر چیزی انفاق کنید [به هر کمیت و کیفیتی] قطعاً خداوند به آن داناست (۹۲) همه خوراکی‌ها پیش از آن که تورات نازل شود برای بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل، بر خود حرام کرد، بگو: اگر راستگو هستید [و حقیقت غیر از این است که بیان شد]، تورات را [که پنهان کرده‌اید] بیاورید و آن را بخوانید [تا روشن شود که در نسبت‌دادن حرام‌های تورات به آیین ابراهیم و یعقوب دروغ می‌بندید] (۹۳) پس کسانی که بعد از این [مطالب واضح]، بر خداوند دروغ ببندند، یقیناً ستمکار [به معارف الهی] اند (۹۴) [ای پیامبر! به یهودیان] بگو: خداوند راست گفت [که خوراکی‌های مورد ادعای شما در آیین ابراهیم حرام نبوده است]، پس [در حلال‌بودن آن‌ها] از آیین ابراهیم یکتاپرست پیروی کنید که او از مشرکان نبود (۹۵) همانا نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم بنا نهاده شد همان است که در مکه پُربرکت قرار دارد، و وسیله هدایت برای جهانیان است (۹۶) در آن نشانه‌های روشن [از ربوبیت و رحمت خدا] و [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود در امان است، خداوند را بر عهده مردم حقی لازم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته و خوب آن برای] کسانی [است] که [با برخورداری از سلامت جسمی و توان‌مندی مالی] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر کس منکر [و خوب آن] شود [و از فرمان خدا در مورد این تکلیف لازم روی برتابد به خداوند زیان نمی‌رساند؛ زیرا] خداوند از جهانیان [و اعمال نیک آنان] بی‌نیاز است (۹۷) بگو: ای اهل کتاب! چرا منکر آیات خدا هستید در صورتی که خداوند به آنچه انجام می‌دهید گواه است؟ (۹۸) بگو: ای اهل کتاب! چرا مؤمنان را از راه خدا باز می‌دارید در حالی که [با وسوسه‌اندازی]، خواهان کج نشان‌دادن آن هستید؟ ضمن این که شما [مستقیم‌بودن آن را] می‌دانید، خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۹۹) ای مؤمنان! اگر از گروهی از اهل کتاب، [که یهودیان معاند و نصرانی‌های کج‌اندیش اند] اطاعت کنید شما را پس از ایمانتان، به کفر باز می‌گردانند (۱۰۰)